احیای روابط دیپلماتیک ایران و عربستان مقدمه تغییر موازنه قدرت‌های جهانی در قطب انرژی جهان است؟

معادله چینی

شرق: روز جمعه ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۱، بیانیه سه‌جانبه‌ای در پکن بین ایران، عربستان و چین به امضا رسید. بر اساس این بیانیه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برای ازسرگیری روابط دوجانبه و بازگشایی مجدد سفارتخانه‌های دو کشور بعد از هفت سال قطع رابطه توافق کردند. احیای روابط دیپلماتیک بین ایران و عربستان واکنش‌ها و تحلیل‌های متفاوتی به دنبال داشت؛ از تحلیل‌هایی که این توافق را برای ایران پر از دستاورد نمی‌دانند تا تحلیل‌هایی که آن را نشانه تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه می‌دانند. تحلیلگرانی که احیای روابط ایران و عربستان را چندان مهم نمی‌دانند، معتقد هستند سیاست خارجی عربستان به درجه‌ای رسیده است که هم‌زمان با حفظ روابط با غرب، از منافع ملی خود با شرق غافل نشود و در عین حال با همسایگان خود به صلح پایدار برسد. آنها می‌گویند که دستاورد این توافق برای اقتصاد ایران چندان اهمیتی ندارد؛ زیرا عربستان نقش قابل‌توجهی در اقتصاد ایران نداشته است اما از نظر رفع تنش‌های منطقه‌ای و ایجاد انتظارات مثبت در اقتصاد می‌تواند قابل‌توجه باشد. در مقابل این گروه، تحلیلگرانی وجود دارند که می‌گویند نقشه جغرافیای اقتصادی منطقه عوض شده و معادلات جدیدی در شاهراه انرژی جهان شکل گرفته است.

رویگردانی آمریکا از خاورمیانه

تا حدود سه دهه پیش آمریکا از نظر انرژی به خاورمیانه وابسته بود و بخش زیادی از نفت مورد نیاز خود را از کشورهای این منطقه تأمین می‌کرد؛ بنابراین امنیت آمریکا به امنیت خطوط نفت خاورمیانه گره خورده بود. پس از انقلاب نفت شیل، آمریکا توانست با استخراج نفت خود به یکی از بزرگ‌ترین بازیگران بازار نفت جهان تبدیل شود و در مقاطعی عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان را به یدک بکشد. هرچند استخراج نفت شیل بسیار پرهزینه بود اما آمریکا در تمام این سال‌ها تلاش کرد تا با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین فناوری‌های نفتی، هزینه استخراج نفت خود را کاهش دهد و در مواردی که نیاز به واردات نفت داشت، از کشورهای نزدیک‌تر مانند مکزیک، ونزوئلا و کانادا نفت خریداری کند تا پالایشگاه‌هایی را راه بیندازد که از دیرباز ساختارشان با نفت سنگین طراحی شده و با نفت سبک و شیرین شیل سازگاری ندارند. به‌جز این، آمریکا در حوزه گاز هم تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز جهان شده است. انقلاب نفت و گاز شیل موجب شد که آمریکا، حضور در خاورمیانه را هزینه اضافه برای خود تلقی کند و ناگهان چتر حمایتی خود را از سر عربستان برداشت.

اتحادعربی-چینی بازارانرژی

عربستان در مقابل شرایط جدید، تلاش کرد روابط خود را با شرق محکم‌تر کند و حالا این کشور بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به بازار چین به‌شمار می‌آید. از آن‌سو چینی‌ها که بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان به‌شمار می‌آیند، از تیرگی روابط آمریکا و عربستان استقبال کردند و سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در این کشور انجام دادند. چندی پیش شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین به ریاض سفر کرد و قراردادهای بزرگی با عربستان به امضا رساند. بر همین اساس، شرکت‌های سعودی و چینی ۳۴ قرارداد سرمایه‌گذاری و اقتصادی در بخش‌های مختلف را امضا کردند. تسنیم در این زمینه گزارش داد که تجارت چین و عربستان از زمان برقراری روابط آنها در سال ۱۹۹۰ به‌طور پیوسته افزایش یافته است و چین سال گذشته ۲۷ درصد از صادرات نفت عربستان را خریداری کرد. در پایان سال ۲۰۲۱، تجارت دوجانبه این دو کشور سالانه بالغ بر ۸۷.۳۱ میلیارد دلار بود. البته تقویت روابط با چین فقط به عربستان منحصر نشد و سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس که جزء تولیدکنندگان بزرگ نفت و گاز جهان هستند، راه ریاض را در پیش گرفتند. اخیرا قطر قرارداد بزرگ ۲۷ ساله به ارزش ۶۰ میلیارد دلار با چین بست تا این کشور کوچکی که یکی از غول‌های گازی جهان است، LNG مورد نیاز چین را تأمین کند. در این میان امارات هم نه‌تنها قراردادهای مهمی در حوزه نفت و گاز با چین بسته، بلکه دامنه این قراردادها به همکاری‌هایی در حوزه هوا و فضا هم رسیده است. در بازار انرژی عراق، اشتیاق چینی‌ها برای سرمایه‌گذاری به حدی بوده است که این کشور دست رد را به سینه چینی‌ها زد. وزارت نفت عراق در سال گذشته میلادی پیشنهاد سه قرارداد نفتی با چین را رد کرده است. عراقی‌ها اعتقاد دارند این قراردادها به چین امکان سیطره بیشتر بر میادین نفتی عراق را می‌داد که به سبب آن موجب خروج سرمایه‌گذاری سایر غول‌های نفتی از این کشور می‌شد.

تقابل چین و آمریکا در خاورمیانه؟

این معادلات حالا از نظر برخی تحلیلگران انرژی به معنی نفوذ هرچه بیشتر چین به خاورمیانه و خروج آمریکا از منطقه است. البته جنگ روسیه و اوکراین توانست آمریکا و اروپا را متقاعد کند که هنوز غرب به منابع سرشار انرژی در خاورمیانه نیاز دارد و جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا تلاش کرد با سفر به عربستان و گفت‌وگو با امیر قطر دل کشورهای عربی را به دست آورد، اما کشورهای عرب حوزه خلیج فارس دست آمریکا را پس زدند و حالا به نظر می‌رسد چین درصدد در مشت گرفتن خاورمیانه است؛ اتفاقی که به گفته مرتضی بهروزی‌فر، کارشناس انرژی، خوشایند آمریکا نیست و حتما در نقطه‌ای به رویارویی دو ابرقدرت اقتصادی می‌کشد. او به «شرق» توضیح می‌دهد که به نظر می‌رسد چین می‌خواهد نقش سنتی آمریکا در خاورمیانه را ایفا کند و در ازای تأمین امنیت منطقه از منابع پایدار انرژی برخوردار شود و رشد اقتصادی خود را تضمین کند، اما آمریکا در رقابت اقتصادی با چین رضایت نمی‌دهد که این کشور به‌راحتی به منابع پایدار انرژی در خاورمیانه برسد و با غیبت در خاورمیانه جاده را برای نفوذ بیشتر چین در منطقه و رشد اقتصادی آن صاف کند. این کارشناس همچنین تأکید می‌کند که خواه‌ناخواه خاورمیانه یک منطقه بسیار مهم در بازار انرژی جهان به‌شمار می‌آید و نقشی کلیدی در قیمت‌های جهانی انرژی دارد؛ بنابراین آمریکا به‌سادگی این منطقه را به چین واگذار نمی‌کند؛ به‌ویژه اینکه پس از جنگ روسیه و اوکراین، اروپا هم به خاورمیانه به‌عنوان جایگزین روسیه در بازار انرژی خود نگاه می‌کند. به اعتقاد بهروزی‌فر، ایران هم زمانی می‌تواند از این معادله منطقه‌ای بازار انرژی سود ببرد که مانند عربستان هم نگاه به شرق را حفظ کند و هم جانب غرب را نگه دارد و احیای روابط دیپلماتیک با عربستان را گامی در جهت رفع تنش‌های خود با جهان ببیند و دوباره سر میز مذاکره برجام حاضر شود. حمید حسینی، عضو اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران هم در گفت‌وگو با فراز دیلی معتقد است که باید دید واکنش نهایی آمریکایی‌ها نسبت به این موضوع چه خواهد بود؟ او توضیح می‌دهد که احیای روابط دیپلماتیک ایران و عربستان یا در جهات دوقطبی‌سازی موازنه قدرت در خاورمیانه بین شرق و غرب شکل گرفته است یا اینکه توافقی بین تمام کشورهای طرف برجام بوده که می‌تواند گامی در جهت حل‌وفصل تنش‌های سیاست منطقه‌ای ایران و امضای برجام باشد. او تأکید می‌کند که هنوز مشخص نیست کدام‌یک از این سناریوها رخ داده است؟ عکس‌العملی که البته به گفته محمد بیات، تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اکوایران، می‌تواند واکنش تند آمریکا و ایجاد بحران‌های جدید در منطقه خاورمیانه را به دنبال داشته باشد.

مزد یا پیکره اصلی ارزش‌افزایی در اقتصاد کالایی

غلامحسین دوانی
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

همه ساله در فصول پایانی موضوع تعیین حداقل مزد یکی از مهم‌ترین موضوعات روز به شمار می‌رود. جامعه کار و تولید کشور مشتمل بر حدود ۲۵ میلیون خانوار در نابسامانی اقتصادی کشور غوطه‌ور شده و سلامت فیزیکی - روحی آنان مورد تهدید جدی قرار گرفته تا دولتمردانی یافت شوند که مدعی شوند اساسا در کشور خط فقر نداریم. خط فقر یک پدیده چندبعدی است که با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و موقعیت زمانی و مکانی هر کشور شامل ناکامی در رضایت‌مندی بر مبنای نیاز و کمبود دستیابی به منابع، تحصیلات، مهارت، سلامتی، تغذیه، پناهگاه و امکانات بهداشتی در نظر گرفته می‌شود که آسیب‌پذیری اجتماعی، خشونت و کمبود آزادی را در پی دارد. اگرچه دولت‌های وظیفه‌مدار مردمی برای حفظ تعادل جامعه و وسعت‌بخشیدن به طبقه متوسط کوشش دارند سیاست‌هایی را اجرا کنند که افراد نزدیک به خط فقر را به بالای خط فقر بکشانند اما با کمال تأسف در دو دهه گذشته با وجود دستیابی دولت به درآمدهای ارزی قابل ملاحظه «دوره احمدی‌نژاد حدود ۷۵۰ میلیارد دلار» و دوره روحانی «حدود ۵۹۰ میلیارد دلار» عملا شاهد گسترده‌شدن خط فقر در جامعه بوده‌ایم، به‌طوری‌که ۶۰ میلیون نفر از افراد جامعه واجد شرایط دریافت یارانه هستند. براساس ماده ۴۱ قانون کار شورای عالی کار همه‌ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین کند:

۱ - حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.

۲ - حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول‌شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد که زندگی یک خانواده را که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود، تأمین کند.

تبصره - کارفرمایان موظف‌اند در ازای انجام کار در ساعات تعیین‌شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین‌شده جدید پرداخت نکنند و در صورت تخلف ضامن تأدیه مابه‌التفاوت مزد پرداخت‌شده و حداقل مزد جدید است.

نشریات اقتصادی در بررسی تاریخی جایگاه سرمایه بیان می‌دارند که سرمایه عبارت است از مقداری پول که از یک سو صرفِ تدارک شرایط عینی تولید «ساختمان‌ها، مواد خام، ابزار تولید» یا سرمایه ثابت می‌شود و از سوی دیگر برای پرداختِ مزد کارگران «سرمایه متغیر» به کار می‌رود تا با به‌کارگرفتنِ این امکانات، محصولی جهت فروش و کسب سود تولید کنند؛ واقعیت سرمایه همچنین عبارت است از مقداری کالای تولیدشده که دارنده‌شان می‌تواند با فروش آنها سود ببرد و سرمایه عبارت است از مقداری پول که می‌تواند وام داده شود و با مقداری بیشتر به‌عنوان بهره به صاحبش بازگردد. تلقی سرمایه به‌مثابه ارزش، امکان توضیح ارزش اضافی و بنابراین شالوده حقیقیِ چنین مازادی را در شکل‌های سودِ سرمایه بارآور، سودِ سرمایه تجاری، بهره سرمایه اعتباری و رانتِ زمین فراهم می‌آورد.

در همین رابطه مزد کارگران نیز به‌مثابه سرمایه متغیر، خود بخشی از سرمایه و بنابراین یک رابطه اجتماعی است؛ مقداری ارزش است که در ازای نیروی کارِ کارگر معاوضه می‌شود. از این طریق است که آشکار می‌شود، مزد قیمت کار یا سهم کارگر به‌عنوان «سرمایه انسانی»، درآمد یا دارایی او نیست، بلکه بخشی از خود سرمایه است؛ بنابراین افزایش سهم مزد عملا سرمایه را نیز افزایش خواهد داد، البته باید توجه داشت مزد یا کار طاقت‌فرسا منبع تمام ثروت سرمایه‌داران نیست، بلکه طبیعت نیز مانند کار طاقت‌فرسا، در قالب تجلی نیروی طبیعت و توان کار انسانی منبع ارزش‌های مصرفی است. نگاهی به افزایش قیمت کالاهای مصرفی ضروری و سبد زیست خانوارها نشان می‌دهد که برخلاف عده‌ای حداکثر ۱۰ درصد جمعیت کشور که دارایی‌های مولد و غیرمولد را به فنا داده‌اند، عمده شهروندان کشور در رنج معیشتی به سر می‌برند. تورم و فساد نهادینه‌شده توان جامعه را به‌شدت کاهش داده است. آمار وزارت تعاون بیانگر آن است که جامعه بیمه‌شده حداقل نصف جمعیت کشور را تشکیل داده که متأسفانه ۳۵ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر به سر می‌برند.

یکی از بررسی‌های به‌عمل‌آمده در سازمان برنامه و بودجه که در فصلنامه برنامه و بودجه منعکس شده نشان می‌دهد بررسی رابطه تورم گروه کالاهای مختلف با نابرابری درآمدی بیان‌کننده آن است که تورم گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات اثر نامتقارن و مستقیم و تورم گروه مسکن، سوخت و روشنایی اثر مستقیم و متقارن بر نابرابری درآمدی در ایران دارد. نکته جالب آنکه اندازه اثرگذاری نامطلوب افزایش‌ها در تورم گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات تقریبا بیش از پنج برابر اندازه‌گیری مطلوب کاهش‌ها در آن است. این به آن معناست که افزایش یک واحد تورم موجب می‌شود نابرابری درآمدی پنج واحد افزایش یابد. اما کاهش یک‌واحدی تورم موجب می‌شود نابرابری درآمدی یک واحد کاهش یابد. برای یک بررسی جامع باید حداقل سه عامل نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و درآمد سرانه را با یکدیگر بررسی کرد تا بتوان تصویر بهتری از اوضاع اقتصادی ترسیم کرد.

آنچه مشخص است افزایش تورم رفاه مردم را تهدید می‌کند و افزایش رشد اقتصادی شرط لازم (شرط کافی توزیع متناسب عواید حاصل از رشد است) افزایش رفاه آنهاست؛ بنابراین در جامعه‌ای که نتیجه عملکرد برخی دولت‌ها بعد انقلاب تورم‌های دورقمی بالای ۲۰ و در سالیان اخیر حداقل بالای ۳۰ درصد بوده، موجبات گستره سطح فقر عمومی و آسیب‌های فراوان سلامت عمومی را فراهم کرده که یکی از عارضه‌های تظاهرات‌های سال اخیر بوده است. با یک بررسی آماری می‌توان دریافت حداقل مزد ماهانه که در سال ۱۳۵۷=۶۳۰ تومان یا ۹۰ دلار بوده، به قیمت اسمی در سال ۱۴۰۱= ۴.۲ میلیون تومان «۶۶۰۰ برابر» رسیده درحالی‌که دلار هفت تومانی به ۵۲ هزار تومان «۷۴۲۸ برابر» و سکه ۴۲۰ تومانی به ۲۵ میلیون تومان «۵۹۵۲۳ برابر» و قیمت هر کیلوگرم گوشت ۱۳۵۷=۲۳ تومان به ۲۳۴ هزارتومان «۱۰،۱۷۳برابر» رسیده و نرخ هر متر مسکن که در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۶۰ بین یک هزار تومان تا دو هزار بوده به متوسط ۳۰ میلیون تومان رسیده و قیمت مسکن به‌عنوان عامل ضروری زیست جامعه کار و تولید در ۴۰ سال گذشته بیش از ۳۰ هزار برابر شده است.

در چنین شرایط نمی‌توان به جامعه کار و تولید کشور وعده پیروزی داد. نقدینگی خانمان‌سوز که تورم را دامن زده است، از ۲۵۰ میلیارد تومان به حدود ۶۰۰۰ هزار میلیارد تومان « ۲۴ هزار برابر» رسیده که کیفیت بد نقدینگی خلق‌شده، نتیجه‌ای جز گسترش دلالی و فقر نداشته، زیرا تسهیلات کلان در اختیار افرادی خاص و از ما بهتران قرار گرفته که به جای سرمایه‌گذاری و تولید، با ورود به بازارهایی مانند طلا، ارز، خودرو و مسکن، به افزایش قیمت در آنها و ایجاد تنش مبادرت کردند. مضافا این افزایش نقدینگی که با عدم ارتقای تولید همزمان بوده، تورم را به‌شدت دامن زده و موجب افزایش قیمت‌ها و پس‌افتادن قدرت خرید در مقایسه با قیمت‌ها شده و عملا رکود را به دنبال داشته است. یکی دیگر از نتایج اقتصاد موجود عرضه تولید و خدمات کشور با استفاده از تسهیلات رانتی و ارز به قیمت‌های ترجیحی در کشورهای بیگانه به قیمت ارز و خروج ارز از کشور است.

در چنین شرایطی هرگونه مماشات نمایندگان واقعی کارگران در تعیین حداقل مزد یعنی مشارکت در فقیرسازی کارگران به قیمت پولدارشدن بخش فربه اقتصاد، شورای عالی کار موظف است در تعیین حداقل مزد، سبد واقعی کالاهای مصرفی را که شامل سهم مناسب مسکن و اجاره باشد، در نظر بگیرند و از تعیین حداقل مزد دستوری مانند سالیان گذشته خودداری کنند، در واقع اگر بخواهیم حداقل مزد سال ۱۴۰۲ را در حد قدرت خرید سال ۱۳۵۷ حفظ کنیم، بهترین روش تبدیل قدرت خرید ۹۰ دلار حداقل مزد ماهانه در سال ۱۳۵۷ به سال ۲۰۲۳ از طریق استفاده از سایت‌هایی محاسباتی است که نشان می‌دهد قدرت خرید ۹۰ دلار سال ۱۳۵۷ معادل ۴۱۲.۵ دلار در سال جاری یا با نرخ فعلی دلار معادل ۲۰ میلیون تومان است. البته که اگر دانش اقتصادی بر اقتصادنخوانده‌های برنامه‌ریز حاکم بود، راه دیگر رونق اقتصادی و تشدید تولید در مناسبات جهانی که طبیعتا قیمت‌های فعلی را به‌شدت کاهش خواهد داد و ویژه‌خواران و نورچشمی‌های رانت‌خوار ارزی را از معرکه خارج و منابع کشور را صرف بازتولید و گردش خواهد کرد و نیروی کار و تولید نیز با حداقل مزد عادلانه و منصفانه سرعت چرخ اقتصاد را تشدید خواهند کرد. کارفرمایان و سرمایه‌داران کشور نیز باید بدانند کارگر مریض‌الاحوال یا کارمندی که سلامت روحی و جسمی (به‌دلیل نداشتن تغذیه مناسب) ندارد، قادر به بهره‌وری و کارایی نخواهد بود و درصدد برخواهد آمد تا مکافات زندگی خود را از چرخ تولید یا مالک چرخ بازستاند. در پاسخ به اعتراض منادیان نئولیبرالی که جرئت مقابله با جامعه کار و تولید را ندارند و در پس گفتارها و نوشتارهای سوگیرانه به افزایش حقوق کارگران هشدارهای زنگ‌آلود در رسانه‌ها می‌نویسند، باید تأکید کرد سرمایه‌داری یک رابطه اجتماعی دوسویه کارگر-کارفرما یا سرمایه‌دار است که بدون حضور کارگران و جامعه کار و تولید به‌عنوان سرمایه انسانی پشیزی ارزش به وجود نخواهد آمد.

یادداشت

اقتصاد ملی و بحران سکونت

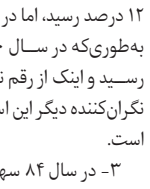

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

امروزه دشواری مسکن در بیشتر کشورهای جهان کم‌وبیش وجود دارد و حتی در کشورهای ثروتمند هم درصدی از خانوارهای کم‌درآمد و فقیر از سکونتگاه مناسب برخوردار نیستند. ازاین‌رو بسیاری از دولت‌ها تلاش می‌کنند با تدوین و اجرای برنامه‌هایی از رشد ابعاد این دشواری جلوگیری کنند. ناموفق‌بودن دولت‌ها در این میدان مهم می‌تواند شرایطی را فراهم بیاورد که این دشواری با درگیرکردن درصد بزرگی از افراد جامعه به یک بحران تبدیل شود. به بیان دیگر درصورتی‌که گروه بزرگی از شهروندان کشور دشواری مسکن را احساس کرده و به‌نحوی گرفتار آثار منفی و آزاردهنده آن شده باشند، دیگر باید از «بحران سکونت» سخن گفت. به باور نگارنده دشواری مسکن در سالیان اخیر به حدی رشد کرده و فراگیر شده که اینک جامعه امروز ایران به معنای واقعی با بحران سکونت روبه‌رو است. برای درک بهتر صورت مسئله کافی است به گزاره‌های زیر توجه کنیم:

۱- با درنظرگرفتن حداقل دستمزد مصوب سالانه، دوره انتظار برای خرید یک واحد مسکن ۵۰ مترمربعی در شهر تهران از ۲۹ سال در ۱۳۶۵ به ۴۶ سال در ۱۳۸۵ و ۱۱۱ سال در ۱۴۰۱ رسیده است. به بیان دقیق‌تر رابطه دستمزد و خرید مسکن سال‌هاست که گسسته شده و عملا پس‌انداز بخشی از دستمزد ماهانه با هدف خرید مسکن معنی و مفهوم خود را از دست داده است.

۲- در سال ۱۳۵۵ جمعیت مستأجر کشور بالغ بر ۱۷ درصد بود. این نسبت در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی کاهش جدی یافت و به ۱۲ درصد رسید، اما در سال‌های بعد از جنگ مجددا رو به افزایش گذاشت. به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۰ به ۲۶.۶ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۳۰.۷ درصد رسید و اینک از رقم نگران‌کننده ۴۰ درصد سخن به میان آمده است. نکته نگران‌کننده دیگر این است که اجاره‌نشینی حتی در روستاها هم رونق گرفته است.

۳- در سال ۸۴ سهم مسکن در سبد هزینه خانوارهای شهری کشور ۲۸ درصد بود که در سال ۹۰ به ۳۳ درصد و در سال ۹۹ به ۴۳ درصد رسید و اینک در دامنه ۶۰ تا ۷۰ درصد برآورد می‌شود. درحالی‌که این رقم برای کشور آمریکا ۱۹ درصد، اتحادیه اروپا ۲۳.۹ درصد، چین ۲۴.۴ درصد، ژاپن ۲۵ درصد، کره جنوبی ۱۷ درصد و ترکیه ۱۵ درصد است. برآورد این شاخص برای کل جهان در دامنه ۲۰ الی ۲۲ درصد است.

۴- از سال ۱۳۸۱ تاکنون متوسط قیمت مسکن در شهر تهران در حدود ۱۸۰ برابر شده است. افزایش بی‌رویه قیمت املاک و مستغلات در مقایسه با بقیه اشکال دارایی‌ها و درآمد خانوارها علاوه‌بر درهم‌شکستن بنیان معیشت خانوارهای کم‌درآمد، شرایطی را فراهم کرده که حتی اقشار طبقه متوسط هم نگران نحوه تأمین هزینه تعمیرات ادواری خانه مسکونی خود باشند. به این ترتیب حتی خانوارهای غیرمستأجر هم نگران وضعیت سکونتگاه خود و هزینه‌های احتمالی آن هستند.

۵- مستقل از شیوه مالکیت و مشکلاتی که از محل افزایش سهم جمعیت مستأجر پدید آمده، درصد قابل‌توجهی از واحدهای مسکونی موجود از کیفیت قابل‌قبولی برخوردار نیستند، زیرا یا با استفاده از مصالح غیراستاندارد ساخته شده‌اند یا ملاحظات فنی لازم در ساختشان رعایت نشده یا عمر مفیدشان به پایان رسیده یا در بهترین شرایط فاقد امکانات و تسهیلات لازم برای تأمین رفاه و جمعیت خاطر ساکنان خود هستند. براساس برآوردهای خوش‌بینانه در حدود ۴۰ درصد از جمعیت کشور از عوارض پدیده بدمسکنی رنج می‌برند. البته اگر الزام خانوارها به سکونت در واحدهای مسکونی کوچک‌مقیاس را نیز مصداق بدمسکنی تلقی کنیم، بی‌تردید به رقم بالاتری درباره شیوع این عارضه خواهیم رسید.

۶- سال‌هاست که دشواری رفت‌وآمد در شهرهای بزرگ ذهن شهروندان و مسئولان را مشغول کرده است. رشد بی‌رویه فضاهای شهری، افزایش تراکم جمعیت در کلان‌شهرها و بی‌اعتنایی مدیریت شهری به برنامه‌ریزی بلندمدت موجب تشدید دشواری ترافیک شده است. الگوی نامناسب معماری شهری و بی‌اعتنایی بلندمدت به دشواری‌های تحمیل‌شده به شهروندان در حوزه ترافیک شهری شرایطی را فراهم آورده که شهروندان ناگزیر از پرداخت هزینه سنگین به‌صورت تلف‌شدن اوقات گران‌بها، ازدست‌دادن سلامتی به خاطر آلودگی هوا، فشار عصبی و... شده‌اند.

۷- سهم جمعیت روستایی کشور از ۵۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۶ درصد در شرایط فعلی رسیده است. کاهش جدی جمعیت روستایی نتیجه سیاست‌های ناکارآمد توسعه منطقه‌ای بوده که موج مهاجرت به شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ را پدید آورده است. کنارهم‌گذاشتن موارد فوق می‌تواند هر تحلیلگر بی‌طرفی را قانع کند که درصد بزرگی از جمعیت کشور با دشواری‌هایی در امر سکونت خود درگیر هستند؛ اما ناباوری متولیان امر به وجود «بحران سکونت» موجب شده دولت‌ها در سالیان گذشته به‌جای اندیشیدن به رویکرد درمانی بنیادین، به سیاست‌های کوتاه‌مدت و ناکارآمد برای مقابله با این بحران روی بیاورند و در نتیجه هرگز موفق به مهار آن نشوند. ازاین‌رو پذیرش این واقعیت که در حوزه مسکن نه با یک دشواری بلکه با بحران گسترده روبه‌رو هستیم، گام نخست در مسیر مقابله اصولی با آن است.

افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز تخصیصی، قیمت خودروهای مونتاژی را گران کرد

این روزها دیده شده که برخی خودروسازان خصوصی اقدام به افزایش قیمت خودروهای خود کرده‌اند. بررسی نوسانات قیمت برخی از خودروسازان خصوصی حکایت از افزایش بی‌سروصدای قیمت برخی محصولات از سوی کارخانه‌ها دارد. در روزهای اخیر خودروسازان خصوصی مانند شرکت آرین‌موتور، اقدام به افزایش قیمت خودروی جدید خود یعنی لاماری کرده است و این شرکت حدود ۲۵ درصد در دور بعدی عرضه خود قیمت لاماری را افزایش خواهد داد و به رقمی حدود یک‌میلیاردو ۳۰۰ میلیون تا یک‌میلیاردو ۴۰۰ میلیون تومان خواهد رسید.

نه‌فقط لاماری، بلکه خودروسازان خصوصی دیگر نیز در یک ماه گذشته اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کرده‌اند؛ به طوری که خودروی SX5 از تولیدات فردا‌موتور بیش از ۱۸۱ میلیون تومان افزایش قیمت کارخانه داشته یا محصول دیگر همین شرکت خودروی T5 در چند ماه گذشته بیش از ۳۴۶ میلیون تومان افزایش قیمت داشته است.

در همین راستا خودروی جک از محصولات کرمان‌موتور و قیمت چری آریزو۵ مدیران‌خودرو در ماه گذشته بیش از ۶۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشته و قیمت کارخانه X22 مدیران نیز در یک ماه گذشته از ۴۸۷ میلیون تومان به ۵۳۲ میلیون تومان افزایش داشته است.

تی۸ به‌عنوان یکی از خودروهای جدید کرمان‌موتور در ماه گذشته با قیمت یک‌میلیاردو ۴۶۰ میلیون تومان در بازار معامله می‌شد؛ اما امروز قیمت این خودرو بیشتر از یک‌میلیاردو ۴۸۰ میلیون تومان است. افزایش ۲۰میلیون‌تومانی این محصول نشان از آن دارد که احتمالا قیمت محصولات کرمان ثبات نسبی داشته، سپس افزایش قیمت مجدد را تجربه کنند.

دلیل این افزایش قیمت‌ها را از مسئولان این حوزه پرس‌وجو کردیم؛ آن‌طور که مسئولان این حوزه اظهار کردند، با توجه به اختصاص ارز جدید به تولیدکنندگان CKD (افزایش نرخ ارز از ۲۸هزارو ۵۰۰ تومان به ۴۰ هزار تومان) محصولات مونتاژی هم افزایش قیمت پیدا خواهد کرد.

این یعنی به مرور زمان تمام خودروسازان خصوصی به‌زودی قیمت محصولات خود را افزایش خواهند داد. در یک سال اخیر تنها شرکتی که محصولات خود را گران نکرده بود، شرکت بهمن‌موتور بود؛ اما اکنون شنیده‌ها حاکی از آن است که این شرکت نیز بعد از این افزایش نجومی تعرفه گمرکی باید برای جلوگیری از زیان خود، قیمت محصولات را گران کند.

ناگفته نماند که بهمن‌موتور برای رضایت مشتریان خود تاکنون قیمت منصفانه روی محصولات خود گذاشته بود؛ به طوری که خودروی سدان ریسپکت که با آپشن‌های فراوان عرضه شد، تنها حدود ۷۳۰ میلیون تومان به فروش رفت. این در حالی است که برخی تولیدات خودروسازان دولتی در همان کلاس قیمتی

نوع خودرو	تاریخ	قیمت در نمایندگی	قیمت در بازار
KMC-K7 کرمان موتور	4 فروردین 1400	یک میلیارد و 180 میلیون تومان	یک میلیارد و 290 میلیون تومان
	11 اسفند 1400	یک میلیارد و 485 میلیون تومان	2 میلیارد و 400 میلیون تومان
جک S5 AT	4 فروردین 1400	720 میلیون تومان	822 میلیون تومان
	11 اسفند 1400	یک میلیارد و 95 میلیون تومان	یک میلیارد و 750 میلیون تومان
تیگو 7	4 فروردین 1400	یک میلیارد و 41 میلیون تومان	یک میلیارد و 41 میلیون تومان
	11 اسفند 1400	2 میلیارد و 620 میلیون تومان	سه میلیارد و 650 میلیون تومان
تیگو 5	4 فروردین 1400	753 میلیون تومان	770 میلیون تومان
	11 اسفند 1400	753 میلیون تومان	یک میلیارد و 500 میلیون تومان

و با آپشن‌های بسیار کمتر بیشتر از این قیمت فروخته می‌شوند و در مرتبه بعد محصولات مشابه سدان ریسپکت از تولیدات بهمن‌موتور مانند آریزو۶ و J7 با قیمتی بسیار بیشتر از ریسپکت بهمن قیمت‌گذاری می‌شوند.